حسنعلی منصور چگونه ترور شد؟

امام مخالف ترور منصور بود

شرق: ساعت ۱۰:۱۵ صبح یکم بهمن سال ۱۳۴۳ مرد جوانی که پیراهن تریکو به تن داشت، جلوی مجلس شورای ملی ایستاده بود. او پاکتی به دست داشت و وانمود می‌کرد نامه‌ای برای دادن به نخست‌وزیر در آن دارد. جلوی مجلس شورای ملی تنها یک استوار و یک سرباز نگهبان دیده می‌شدند. نزدیک ساعت ۱۰:۳۰، خودروی شماره یک نخست‌وزیر در برابر مجلس شورای ملی ایستاد و حسنعلی منصور، نخست‌وزیر، درِ خودرو را باز کرد و یک پایش را بیرون گذاشت. در این هنگام محمد بخارایی، از اعضای حزب مؤتلفه، با پاکت در دستش به سمت منصور رفت. استوار به گمان اینکه بخارایی می‌خواهد نامه‌ای به نخست‌وزیر برساند، جلوی او را نگرفت. هنگام پیاده‌شدن منصور از خودرو، بخارایی دست در جیب خود کرد و با تپانچه‌ای به نخست‌وزیر شلیک کرد و بی‌درنگ پا به فرار گذاشت.

مهدی عراقی، از اعضای مؤتلفه که خود هم در چهارم شهریور ۱۳۵۸ همراه پسرش حسام به دست گروه «فرقان» به شهادت رسید، روایت خود را از روز ترور منصور این‌گونه گفته بود: «نزدیکی‌های ساعت ۱۰ بود که ماشین منصور از قسمت شاه‌آباد وارد میدان بهارستان می‌شود و به‌طور عمودی جلوی درب مجلس می‌ایستد، همان درب بزرگ. قبل از اینکه شوفر پایین بیاید این‌ور و درب را باز کند، خود منصور درب را باز می‌کند و می‌آید بیرون. آقای بخارایی هم از قسمت جنوب به طرف شمال داشت می‌آمد، منصور که درب را باز می‌کند و می‌آید، به فاصله دو متر بین این دو فاصله بوده، گارد محافظ با دو تا ماشین نیز ایستاده بودند، هنوز گارد محافظ پیاده نشده بودند، اسلحه هم لای دفترچه که دستش بود، به مجرد اینکه منصور می‌آید پایین، اسلحه را همان‌جوری که دستش بوده، تیر اول را شلیک می‌کند که می‌خورد به شکم منصور، منصور که دولا می‌شود، تیر دوم را می‌زند پس گردنش، تیر سوم را که می‌خواهد بزند (پوکه اسلحه گیر می‌کند و در همین هنگام گارد محافظ) می‌زنند زیر دستش، اسلحه می‌پرد بالا. بخارایی را آنجا می‌گیرند. وقتی می‌گیرند، آقای نیک‌نژاد از آن‌ور ماشین شروع می‌کند به تیراندازی‌کردن، گارد فرار می‌کند، آقای بخارایی هم فرار می‌کند. سربازهایی که دم مجلس بودند، یکی که مأمور پست بود و یکی، دو نفر که توی مجلس بودند، صدای تیر را که می‌شنوند می‌آیند بیرون نیک‌نژاد را می‌گیرند. نیک‌نژاد می‌گوید: من نبودم، او آنجاست، دارد می‌رود. آنها برمی‌گردند می‌بینند یکی وسط خیابان دارد فرار می‌کند. نیک‌نژاد را رها می‌کنند که آن‌هم می‌پرد توی تاکسی، نیک‌نژاد از آن‌ور می‌رود. آقای بخارایی هم چون زمین یخبندان و سُر بود، سُر می‌خورد زمین. چند تا پلیس که عقبش کرده بودند، می‌گیرند او را آنجا و می‌آورند کلانتری (میدان) بهارستان. بخارایی از هرگونه صحبتی برای مأمورین خودداری کرد و این مسئله باعث شد ساواک در گزارش اولیه، او را جوانی لال معرفی کند. عاقبت مأمورین در جیب شهید بخارایی کارت تحصیل او را پیدا کردند و بدین وسیله به خانواده او دست یافتند و از طریق مادر او، دوستانش را شناسایی نمودند. از جمله اشخاصی که در این تحقیقات شناسایی شد حاج صادق امانی بود. حاج‌صادق، شوهرخواهر و دوست لاجوردی بود و مأموران شهربانی فکر می‌کردند می‌توانند از طریق لاجوردی به شهید امانی دسترسی پیدا کنند، بنابراین منزل لاجوردی محاصره و خودش دستگیر شد. با اینکه لاجوردی از اعضای اصلی هیئت مؤتلفه بود و در اعدام انقلابی حسنعلی منصور دست داشت، در طول دوران بازداشت چنان رفتار کرد که او را بی‌گناه تشخیص دادند و بعد از ۱۷ یا ۱۸ روز از زندان شهربانی آزاد شد».

روایت لاجوردی ترور از منصور

خود لاجوردی هم درباره نقش‌داشتن یا نداشتنش در ترور منصور در اوایل انقلاب در سخنانی که از سوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات تاریخی ضبط شده بود، چنین گفته بود: «اولین‌باری که من دستگیر شدم، در رابطه با مسئله ترور منصور بود. نه به این معنا که من در ترور دست داشتم، بلکه نسبت فامیلی من با مرحوم حاج‌صادق امانی که شوهرخواهر من، عضو جمعیت‌های مؤتلفه و رهبر عملیات ترور بود. منتها حاج‌صادق در شاخه نظامی کار می‌کرد و من در شاخه نظامی نبودم. چون در دستگیری محمد [بخارایی]، رضا [صفارهرندی] و مرتضی[نیک‌نژاد] ایشان فراری بود».

همسر لاجوردی هم روایت خود را این‌گونه بیان کرده بود: «ایشان را در سال ۴۳ به‌عنوان معاونت در قتل حسنعلی منصور دستگیر کردند و حکمش خیلی سنگین بود. زمانی که فرزند دومم می‌خواست به دنیا بیاید، خیلی دلم می‌خواست که ایشان کنارم باشد؛ بنابراین دست به دامان حضرت ابوالفضل شدم. روز پنجشنبه‌ای بود که داشتم دعای کمیل می‌خواندم، دیدم در می‌زنند و آقای لاجوردی آمد. خیلی خوشحال شدم، ۲۰ روز بعد دوباره ایشان را بردند ولی من زایمان کرده بودم». همسر لاجوردی گفته بود در آن دوره او را به مرخصی فرستاده بودند که بعد از آن حکم ۱۸ساله لاجوردی سبک و به یک‌سال‌ونیم کاهش یافت.

تلاش‌های مؤتلفه برای اخذ فتوای ترور منصور

مؤتلفه برای ترور منصور تلاش بسیاری کردند تا از امام خمینی فتوا بگیرند که بعد از اصرار فراوان موفق به این کار نشدند تا آنکه از آیت‌الله میلانی این فتوا را اخذ کردند. مهدی عراقی در خاطرات خود آورده است: «برای این کار [ترور منصور] کسانی فرستاده شده[اند] پهلوی آقای خمینی که در این جریانات فتوا بگیرند و آقای خمینی فتوا نداده در مرحله اول. در مرحله دوم باز فرستاده‌اند و آقا به آن حامل گفته که اصلا به تو چه که توی این کارها دخالت می‌کنی».

حبیب‌الله عسگراولادی هم دراین‌باره گفته بود: «...یکی از دلایلی که موجب شده بود دیرتر به اقدام خود دست بزنند، نهی امام در مورد کارشان بود. آنها برای برداشتن این نهی، تلاش‌های زیادی کردند و چندین بار خدمت امام رفتند؛ اما امام تأکید داشتند این کار در غیر خودش [شاه] مفید نیست؛ زیرا اگر به غیر از شاه فرد دیگری را بزنند، تمام گذشته به گردن آن فرد خواهد افتاد و برای او نیز مجلس‌ها می‌گیرند و مخالفان خودشان را از بین خواهند برد؛ بنابراین این حرکت در غیر خودش مفید نخواهد بود. این چهار شهید برای اینکه این نهی را بردارند، از مراجع دیگری فتوا گرفتند؛ اما همچنان حضرت امام نهی بر این کار داشتند. بنابراین، این افراد از بنده که نماینده امام در وجوهات بودم و با دیگر علما نیز ارتباط داشتم، [دوباره] خواستند تا از امام بخواهم این نهی را بردارند؛ اما امام در پاسخ به من گفتند که در کارهای تند شرکت نکن و شما دخالتی در کار این افراد نداشته باشید».

در متن بازجویی‌های دادگاه عاملان ترور منصور نیز چنین آمده است: «محرکین و عاملین توطئه قتل مرحوم منصور در بازجویی‌های خود اعتراف نموده‌اند: سال گذشته که موضوع ترور آقای علم مطرح بوده؛ یک‌بار عباس مدرسی‌فر را نزد آقای میلانی به مشهد اعزام داشته‌اند که در مورد ترور اشخاص موثر مخالف روحانیون از مشارالیه فتوا بگیرد که میلانی اظهار داشته این عمل جایز نیست. ضمنا حبیب‌الله عسگراولادی را که از مریدان خاص آقای خمینی و مسئول جمع‌آوری وجوه سهم امام می‌باشد به قم اعزام و نظر خمینی را در مورد ترور استعلام می‌نمایند که مدعی هستند خمینی این عمل را صلاح ندانسته است. سپس شیخ محی‌الدین انواری از طرف عاملین توطئه در مورد اخذ فتوا به خمینی مراجعه و به وی نیز جواب رد داده می‌شود. مجددا حبیب‌الله عسگراولادی را به قم اعزام و به وی مأموریت می‌دهند از آقای خمینی چنین سؤال بکند: چنانچه اشخاصی قصد ترور اشخاص مؤثری از دولت را داشته باشند آنان را منع بکنند یا نکنند. در این مورد مدعی هستند که خمینی چنین پاسخ داده است شما چه‌کاره هستید منع بکنید یا نکنید».

آنچه از قرائن و شواهد و خاطرات و اسناد به دست می‌آید، اعضای «گروه حاد» که بعدا با موافقت شورای مرکزی، جزء بخش مسلحانه مؤتلفه قرار گرفتند، چندین‌بار اقدام به اجازه «ترور و اقدامات مسلحانه» گرفته‌اند. اولین‌بار به قبل از تأسیس نهایی جمعیت مؤتلفه اسلامی؛ یعنی در روز پنجشنبه ۱۵ فروردین سال ۴۲ و مصادف با ولادت امام رضا(ع) برخی از افراد گروه مسجد شیخ‌علی که احتمالا مدرسی‌فر، اسلامی و امانی بوده‌اند خدمت امام می‌رسند و درباره ترور عوامل رژیم از ایشان استفتاء می‌کنند که امام در جواب استفتا، این افراد را از این کار نهی می‌کند. در گزارش ساواک در ۲۰ فروردین همان سال آمده است: «کریمی‌آشتیانی می‌گفت دسته‌ای از طرفداران فدائیان اسلام به قم رفته با مقامات مذهبی آنجا از جمله آیت‌الله خمینی ملاقات کرده‌اند. این دسته به اطلاع آیت‌الله خمینی رسانیده‌اند که اگر فتوا دهند آنها حاضرند برای از بین بردن هر کس که دستور دهند عمل کنند. خمینی گفته است مبارزه ما هنوز به مرحله‌ای نرسیده که احتیاج به کشتن مخالفین باشد و من با این قبیل اعمال نظر موافقت ندارم».

دومین‌بار به پس از دستگیری امام در خرداد ۴۲ و هم‌زمان تأسیس جمعیت مؤتلفه بازمی‌گردد که گروه مسجد شیخ‌علی بدون موافقت شورای مرکزی مؤتلفه، در روز جمعه، ۱۷خرداد سال ۴۲ مصادف با ۱۴محرم به دلیل نهی قبلی امام و همچنین درزندان‌بودن و دردسترس‌نبودن او، عباس مدرسی‌فر را به تنهایی، برای اخذ فتوای ترور و حرکت مسلحانه نزد آیت‌الله میلانی در مشهد می‌فرستند که او در جواب این استفتا می‌گوید این عمل جایز نیست و این فرد و گروه را از این اقدام نهی می‌کند. عباس مدرسی‌فر دراین‌باره گفته است: «در حدود یک سال قبل بود که آقای صادق امانی در ضمن صحبت، صحبت از ترور با من می‌کردند و چندی بعد به من گفتند که برای اجازه قانونی، نزد آقای میلانی رسیدم و موضوع را عرض کردم، ولی ایشان اجازه ندادند و فرمودند جایز نیست و من برگشتم به آقای صادق امانی گفتم که آقا اجازه نفرمودند، ولی ایشان مثل اینکه قانع نشدند و می‌خواستند طوری دیگر شود که این عمل انجام بگیرد».

در این مورد در اسناد ۱۹ خرداد سال ۴۲ شهربانی آمده است: «اخیرا در بین روحانیون و متعصبین، گفته می‌شود که پس از شکست اخیر و تظاهرات روز ۱۵ خرداد، روحانیون قصد دارند به وسیله عُمّال خود، که مرکّب از افراد متعصب و هیئت‌های مذهبی می‌باشند، مبادرت به شروع جنگ‌های پارتیزانی نمایند و در داخل شهر هم گروه ضربتی و ترور تشکیل داده، افراد سرشناس و مخالف را ترور نمایند. منبع الهام این دسته، خود روحانیون بوده و قوه اجراییه، افراد متعصب و شرکت‌کنندگان اربعین شهدای قم و اخلالگران روز ۱۵ خرداد و مؤمنین به دستگاه روحانیت می‌باشد و از هم‌اکنون افرادی در بازار، از جمله بازارچه مروی و سایر قسمت‌های بازار، در فعالیت‌اند که عده‌ای را دور هم جمع نموده و هم‌قسم شده که در درجه اول به افراد نیروهای انتظامی حمله نمایند و سپس مبارزات دیگری را شروع نمایند».

بر اساس گزارش، ساواک از دومین پیگیری و اقدام گروه حاد نیز اطلاع داشته است و غیر از موارد مذکور، همچنین ساواک با مأمور نفوذی‌ای که در جلسه اسدالله بادامچیان داشته، اطلاع کاملی از اقدامات گروه مؤتلفه داشته است. مثلا در گزارش ساواک قبل از تاریخ ۸ تیر سال ۴۳ از قول اسدالله بادامچیان آمده است: «اگر ما وارد میدان مبارزه شویم، این‌بار دست خالی به میدان نخواهیم آمد، بلکه با اسلحه گرم، مبارزه متقابل خواهیم نمود و احتمال دارد هیئت مؤتلفه اسلامی تصمیم بگیرد یک باند تروریستی تشکیل بدهد و تمام ترس دستگاه از همین یک موضوع است...».

سومین‌بار هم به پس از سقوط علم و آزادی امام در فروردین سال ۱۳۴۳ برمی‌گردد. حبیب‌الله عسگراولادی، به درخواست و وسیله هاشم امانی، دوباره در تاریخ یکشنبه، ۲۸ تیر سال ۴۳ و مصادف با شهادت امام حسن عسکری(ع) در قم، به خدمت امام می‌رسد و راجع به مسئله ترور سؤال می‌کند که معظم‌له در جواب این استفتا، آنها را از این کار نهی می‌کنند. عسگراولادی دراین‌باره می‌گوید: «من چون نمایندگی حضرت امام را داشتم، نماینده وجوهات ایشان بودم و از طرف مجموعه خدمت ایشان می‌رفتم، از من خواستند که شما از امام بخواهید که دراین‌باره ما را کمک کند. من خدمت ایشان رفتم و عرض کردم که برادرها آمادگی دارند. امام فرمودند که چه شخصی را می‌خواهند بزنند». عرض کردم هر کس از این خائنین در دسترس آنها باشد. امام فرمودند: غیر خودش[شاه] مصلحت نیست؛ اگر کسی از درجات بعدی، حتی نخست‌وزیر کشته شود، اینها سعی می‌کنند این را وسیله‌ای کنند، همه مبارزین را بکوبند و سعی می‌کنند که فردی خشن‌تر بیاورند». شهید امانی از توضیح امام استنباط نهی کرد، اما برای ضربه‌زدن به رژیم مصمم بود».

اسدالله بادامچیان نهایت تلاش‌ها برای ترور منصور را به خاموشی و آیت‌الله میلانی نسبت داده و گفته است: «مهم‌ترین کار مرحوم خاموشی، گرفتن حکم فتوای مجازات الهی حسنعلی منصور، عامل تصویب قانون ننگین کاپیتولاسیون، از آیت‌الله میلانی بود». این فتوا زمینه ترور حسنعلی منصور را فراهم کرد و در پی این فتوا بخش مسلحانه جمعیت مؤتلفه طرح ترور را اجرائی کردند.

یادداشت

آنچه گذشت

عباسعلی کدخدایی

• ۲۱ دی‌ماه پایان فعالیت هیئت‌های نظارت استانی و هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان برای بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات مجلس بود. در آن مرحله هیئت‌های نظارت استانی تلاش زیادی کردند تا بتوانند در مدت محدود ۲۰روزه، صلاحیت بیش از ۱۴هزارو ۵۰۰ داوطلب را بررسی و اعلام کنند. تا پیش از بررسی هیئت‌های نظارت استانی نزدیک به هزارو ۳۰۰ داوطلب از انتخابات انصراف داده و حدود ۲۰۰ نفر دیگر نیز از آرای هیئت‌های اجرائی شکایت نکرده بودند. در نتیجه از ۱۶ هزار داوطلب اولیه، در هیئت‌های نظارت استانی و هیئت نظارت مرکزی شورای نگهبان صرفا صلاحیت حدود ۱۴هزارو ۵۰۰ نفر بررسی شد.

بررسی‌های هیئت مرکزی نظارت در این دور چند ویژگی خاص داشت؛ اولا تقریبا هیچ داوطلبی نبود که مراجع قانونی راجع به آن اظهارنظر نکرده باشند. وضعیت داوطلبان نزد مراجع قانونی از دو حالت خارج نیست: یا دارای سابقه سوء هستند یا خیر. تلاش ما این بود که اگر از فردی نزد مراجع قانونی سابقه سوئی موجود نیست، به این مسئله تصریح شود تا تعداد بیشتری از داوطلبان تأیید شوند. این همکاری مراجع قانونی با شورای نگهبان در ادوار گذشته کم‌نظیر بوده و لازم است مجددا از زحمات و کمک‌های همه آنان در این زمینه تشکر کنم.

ثانیا به صرف گزارش و اظهارنظر درخصوص وجود سابقه از داوطلبان اکتفا نشد و مستندات و گزارش‌های آن سوابق نیز دریافت شد تا هیئت مرکزی بتواند قضاوت دقیق‌تری داشته باشد. همین امر اگرچه باعث شد حجم کار شورای نگهبان چند برابر شود اما به اتقان بیشتر نظرات کمک شایانی کرد. حاصل آن شد حدود ۳۰۰ هزار سند در قالب نزدیک به یک میلیون برگ گزارش برای هر داوطلب؛ یعنی به‌طور میانگین برای هر نفر حدود ۷۰ صفحه بررسی و مطالعه شده است تا راجع به او اظهارنظر شود.

ثالثا از ظرفیت بررسی‌های محلی برای تأیید صلاحیت «داوطلب‌اولی‌ها» استفاده شد. این نکته بسیار حائز اهمیت است که در این دوره، حدود ۱۱ هزار نفر برای اولین بار در انتخابات ثبت‌نام کردند و هیچ سابقه‌ای از آنها در شورای نگهبان موجود نبود. احراز شرایط این ۱۱ هزار نفر که بخش عمده‌ای از آنان افراد گمنام بودند، بسیار دشوار بود ولی با استفاده از ظرفیت ماده ۵۰ قانون انتخابات و بررسی‌های محلی، موفق شدیم حدود سه‌هزارو ۵۰۰ نفر از آنان را در مرحله نظارت استانی تأیید صلاحیت کنیم و با تکمیل تحقیقات در فرصت باقی‌مانده تا ۱۱ بهمن تعداد بیشتری را به آنان اضافه کنیم و از میزان عدم احراز صلاحیت‌شدگان بکاهیم. این کار را با قوت پیش می‌بریم و امیدواریم با کامل‌ترشدن مدارک و مستندات، دایره انتخاب مردم را وسیع‌تر کنیم. هرچند بارها گفته‌ام در رقابت‌های پارلمانی در سراسر دنیا به هیچ وجه شاهد چنین وضعیتی در میان داوطلبان نیستیم و به‌طور متوسط برای هر کرسی کمتر از ۱۰ نفر با یکدیگر رقابت می‌کنند. طبیعتا در بررسی‌های اعضای شورای نگهبان ممکن است نظرات هیئت‌های استانی و هیئت مرکزی نظارت دستخوش تغییراتی شود. این خاصیت پیش‌بینی شکایت و اعتراض به نتایج اولیه است. این تغییرات نباید در مردم نگرانی ایجاد کند یا سبب گمانه‌زنی‌های نادرست شود. پیش‌بینی شکایت از نظرات هیئت‌های استانی در قانون برای کاهش خطاهای احتمالی و متقن‌ترکردن بررسی صلاحیت‌ها بر اساس بازبینی مدارک قبلی یا بررسی مستندات جدید است. در گزارش‌های بعدی تلاش می‌کنم به بخش‌های دیگری از اقدامات شورای نگهبان بر نظارت بر فرایند انتخابات اشاره کنم.

خبر

توضیح وزارت خارجه درباره ارقام مطرح‌شده از سوی ظریف به عنوان بودجه نظامی

• سیدعباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارجه درباره ارقامی که توسط محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه به عنوان بودجه نظامی ایران ذکر شده است، توضیحاتی داد. سیدعباس موسوی در این توضیح اظهار کرد: محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان در چند سخنرانی اخیر از جمله حضور امروزشان در صحن علنی مجلس شورای اسلامی توانمندی‌های بالای نظامی ایران را با وجود هزینه بسیار کم به نقل از منابع و ژورنال‌های نظامی معتبر خارجی حدود ۱۶ میلیارد دلار عنوان می‌کرد که در مقایسه با هزینه‌های ۷۰میلیاردی برخی کشورهای منطقه و صدها میلیارد دلاری ابرقدرت‌ها ناچیز می‌نمود. موسوی عنوان کرد: وزیر امور خارجه به دنبال سخنرانی در مجلس، از طرف ستاد کل نیروهای مسلح مطلع شدند که کل بودجه دفاعی کشور کمتر از شش میلیارد دلار است و پیشرفت‌های موجود با این بودجه بسیار ناچیز در مقایسه با سایر کشورها به دست آمده است.

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

• **مهارت مربیان آموزشگاه‌های رانندگی:** افرادی که به‌عنوان مربی در آموزشگاه‌های رانندگی همکاری دارند، آیا مهارت و حرفه آنان قبل از جذب در آموزشگاه‌ها از سوی کارشناسان راهنمایی و رانندگی یا مدیر آموزشگاه‌ها محل سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد؟ معیار استخدام آنان بر چه پایه و اساسی انجام می‌شود؟

ارسلان صباحی

• **مشکل مسافران بدون کارت بلیت شرکت واحد:** برخی مسافران اتوبوس‌های بی‌آرتی شرکت واحد کارت بلیت همراه ندارند و موقع سوارشدن به اتوبوس با مشکل مواجه می‌شوند. از مسئولان شرکت واحد تقاضا داریم بلیت‌های کاغذی یا هر نوع دیگری که صلاح می‌دانند، طراحی و چاپ کنند و در اختیار مسئولان کنترل خطوط بگذارند تا با فروش آنها، مسافران بتوانند از اتوبوس‌های بی‌آرتی استفاده کنند.

آوا اوتادی

• **سربازان وظیفه از پرداخت کرایه اتوبوس و مترو معاف شوند:** دوشنبه ساعت ۱۳:۲۰ در بزرگراه امام علی(ع) از ایستگاه شهید نیکنام جنوب به شمال می‌خواستم سوار اتوبوس به مقصد پایانه لاله شوم، دو نفر از سربازان با لباس سربازی کارت بلیت به همراه نداشتند، مسئول جایگاه از ورود آنان خودداری کرد. آیا استفاده سربازان وظیفه از اتوبوس‌ها رایگان نیست؟

علی از تهران

• **رد صلاحیت ۹۰ نفر از نمایندگان؟** چطور ۹۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ردصلاحیت شدند؟ یعنی تابه‌حال نمایندگان خانه ملت مشکل اخلاقی یا فساد داشتند؟ مردم به چه کسانی اعتماد کنند و به آنان در انتخابات رأی دهند؟ لطفا با مردم صادق باشید و واقعیت‌ها را اعلام کنید و به شعور مردم احترام بگذارید!

اکبر- تهران

• **تنظیم چراغ‌های راهنمایی و رانندگی:** تنظیم‌نبودن برخی چراغ‌های راهنمایی و رانندگی باعث شده رانندگان و مسافران وسایل نقلیه عمومی زمان بیشتری از وقتشان پشت چراغ قرمز هدر برود. از مسئولان سازمان ترافیک شهرداری تهران تقاضا داریم برای رفع نقص فنی چراغ‌ها اقدام کنند.

حبیبه کبیری